درمکتب امام

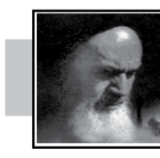

باید خودمان کوشش کنیم

برادران عزیزم! ما در عصری واقع شده‌ایم که ظلمت دنیا را گرفته است. ما در عصری واقع شده‌ایم که ارزش‌های انسانی بکلی از بین رفته و به جای آن ارزش‌های غیرانسانی و شیطانی نشسته است. ما در عصری واقع هستیم که شیاطین عالم هجوم به انسان‌ها و ارزش‌های انسانی آورده‌اند و می‌خواهند که دنیا را به سلطه شیطان درآورند. ما در این عصر با اتکا به خدای تبارک و تعالی و استمداد از اسلام و قرآن کریم و ولیّ عصر(ع) باید خودمان کوشش کنیم و خودمان جهاد کنیم؛ جهاد در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، جهاد در کارخانه‌ها و کارگری‌ها، جهاد در کشاورزی‌ها، جهاد در مدارس، جهاد در همه جا، جهاد در جبهه‌ها و جهاد در پشت جبهه‌ها.

صحیفه امام؛ ج۱۷؛ ص۴۱۰ | جماران؛ ۴ اردیبهشت ۱۳۶۲

سالگرد درگذشت محمدحسین شهریار

در مقابل فشارها و تهدیدها چون کوه ایستاد

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

«... در همه مواقع حساس انقلاب، او نقش مؤثری ایفا کرد. یک جنگ هشت ساله بر ما تحمیل شد که یکی از سخت‌ترین تجربه‌های ما بعد از انقلاب بود. تعداد شعرهایی که شهریار برای جنگ گفته؛ حضوری که او در مراکز مربوط به جنگ، مثل کنگره‌های مربوط به جنگ و شعر جنگ پیدا کرده و مدحی که او از بسیج عمومی مردم یا از سپاه یا ارتش کرده، به قدری زیاد است که اگر انسان نمی‌دید و نمی‌شنید و خودش لمس نمی‌کرد، به دشواری می‌توانست آن را باور کند. مردی در حدود هشتاد سال سن- بلکه بیش از هشتاد سال- در مجامع شعری حضور پیدا کند و برای هر مراسمی، شعر یا شعرهایی بگوید! این در حالی بود که از مثل او، چنین توقعی هم نبود. این، نشان‌دهنده نهایت اخلاص و صفا و بزرگواری آن مرد بود...»

این بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره محمد حسین شهریار، شاعر شهیر معاصر ایران است. سیّدمحمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار، از شاعران بنام معاصر این سرزمین، زندگی هنری پرفراز و نشیبی داشت. از اشعار عاشقانه تا شعرهای اجتماعی و اخلاقی و حتی میهنی و قومی‌سرود و جماعت کثیری از اهل شعر و ادب را شیفته و مفتون آثارش نمود. اما آنچه شهریار را از دیگر شاعران معاصر متمایز می‌گرداند، علاوه‌بر قوت و استحکام شعری در دو زبان فارسی و آذری، پرداختن به مفاهیم دینی خصوصاً در ۳۰ سال آخر زندگانی‌اش بود. به‌ویژه با پیروزی انقلاب اسلامی که گویی گمشده‌ای را پیدا کرده و در زندگی هنری‌اش، اتفاق شگرفی رخ داده بود.

شعارهای مردمی همان شعر انقلاب است

شهریار پیروزی انقلاب اسلامی را «نوروزی مبارک» خواند و به حضرت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه نیز ارادت ویژه‌ای داشت. چنان که برای ایشان و روز ورودشان به میهن نیز چنین سرود:

دمید فجر که خورشید بازمی‌گردد   امید در دل نومید بازمی‌گردد

رهبر معظم انقلاب در این‌باره گفته‌اند:

«...وقتی انقلاب پیروز شد، او با همان روحیه دینی و ذهنیت صاف و روشن خودش، از انقلاب استقبال بسیار خوبی کرد. شاید در آن یکی دو سال اول انقلاب، کسی از ما به یاد شهریار نبود. یعنی گرفتاری‌ها آن‌قدر زیاد بود که مجالی برای این یادها پیش نمی‌آمد. یک وقت دیدیم صدای شهریار، در ستایش انقلاب، از تبریز بلند شد. دیدیم همه جزئیات انقلاب را او تعقیب می‌کند...»

وقتی در پاییز سال ۱۳۵۹، بنا به مناسبتی، دوربین صدا و سیما به سراغ شهریار رفت، او با گله‌مندی اشاره به همان شعر معروف «حالا چرا؟» کرد و درباره شعر انقلاب سخن گفت و تأثیرگذارترین آنها را شعار «خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار» دانست و گفت:

«... شعر انقلاب، همین شعرهایی است که مردم می‌گویند. یعنی حقیقت شعر، حرفی است که از دل بربیاید و در دل بنشیند. من در این دوره انقلاب، از این شعر، شاهکارتر ندیدم که، این جمعیت، یک دفعه، فریاد می‌زنند: «خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار». شاید این شعر، صدها بار مرا منقلب کرده است، که هیچ غزلی این تأثیر را در من نداشته است.»

شهریار درباره انقلاب و جنگ اشعار بسیاری سرود تا جایی که شگفتی اهل شعر و هنر را برانگیخت. او درباره بسیاری از نهادها و شخصیت‌های انقلاب شعر سرود، اعم از نهادهای انقلابی مثل بنیاد مسکن و کمیته انقلاب و نهضت سوادآموزی و... و شخصیت‌های انقلابی مثل شهید چمران و مرحوم ظهیرنژاد و... بنا به روایت مرحوم دکتر اصغر فردی (از شاگردان مرحوم شهریار) بیش از ۵۰۰ صفحه اشعار شهریار در وصف انقلاب اسلامی ثبت شده است.

شهریار به‌گونه‌ای خستگی‌ناپذیر با لباس بسیجی در جلسات و نشست‌های شاعران حضور پیدا می‌کرد و درباره بسیجیان و دفاع مقدس شعر می‌سرود و در هنگام اعزام رزمندگان به جبهه‌ها، قرائت می‌کرد.

فشار و تهدیدهای شبه‌روشنفکران

اما طبق معمول شبه‌روشنفکران و شیفتگان غرب و غرب باوری که بعضا از دوستان دیرین شهریار بودند، این شور و شیدایی او را برای انقلاب و جبهه‌های دفاع مقدس نمی‌پسندیدند و بارها و بارها از دور و نزدیک با نامه و پیغام و پسغام و حضوری و غیرحضوری به او توصیه کردند و تهدید و تطمیع نمودند که دست از این‌گونه حماسه‌سرایی برای انقلاب و جنگ بردارد. اما شهریار مقاومت کرد، مقاومتی بی‌نظیر و مثال‌زدنی که در لانه زنبور شبه‌روشنفکران با آن دیکتاتوری و استبداد ذاتی‌شان، کاری کارستان بود.

مقام معظم رهبری در این مورد نیز گفته‌اند:

«... من خبر داشتم در همان اوقاتی که شهریار برای انقلاب می‌سرود، یک عده از روشنفکران وابسته به رژیم گذشته که با او سابقه‌ی دوستی داشتند، مرتب فشار می‌آوردند، نامه برایش می‌نوشتند و شعر در هجوش می‌گفتند. حتی اطلاع داشتم که رفته بودند و او را ملامت کرده بودند که «تو چرا برای انقلاب اسلامی، این‌طور دل می‌سوزانی!؟» و او مثل کوه ایستاده بود.... همه اینها، با این‌که به لحاظ مبنا و منطق، به ظاهربینشان فاصله‌ای وجود داشت، در وارد آوردن فشار روی شهریار شریک بودند، و شهریار، محکم و قرص ایستاده بود...»

و همین فشارها و تهدیدها و فضاسازی‌ها باعث شد تا انتشار مجموعه اشعار شهریار درباره انقلاب و جنگ، حدود ۳۰ سال به تاخیر بیفتد. این درحالی است که کلیات و اشعار دیگر شهریار در طی این سال‌ها به کرّات به چاپ رسید، اما سرودهای انقلابی او در میان‌شان نبود.

اشعار انقلابی شهریار نادیده گرفته شد و تحت فشار گروه‌های شبه‌روشنفکری که فضای نشر کشور را در دست داشتند، مورد بایکوت و تحریم قرار گرفت. گویی که اصلا چنین شعرهایی سروده نشده تا اینکه در سال ۱۳۹۶ در کتاب «شهریار و انقلاب ملت» در ۸۰۰ صفحه به چاپ رسید.

حتی در سریالی که درباره‌اش ساخته شد، نه تنها بسیاری از وجوه زندگانی شهریار را نادیده گرفتند، این بُعد از اشعار و هنرش نیز سانسور شد و آنچنان جلوه دادند که گویا شهریار هم مانند همان شبه‌روشنفکران به دور از مردم بوده و حتی تحریفگرانه گفتند شهریار به جز کت و شلوار، لباس دیگری برتن نکرد، درحالی که تصاویر و عکس‌هایش با لباس بسیجی خصوصاً در جمع بسیجیان عاشورائی لشکر آذربایجان درحال اعزام به جبهه‌ها، بارها پخش شده بود که می‌خواند:

یا علی باز از خدا دستی به همراه بسیج
جاودان کن در جهان این جلوه و جاه بسیج

ارادت به رهبر انقلاب

مرحوم شهریار ارادتی ویژه به رهبر معظم انقلاب داشت، چنان که در دیدار تابستان ۱۳۶۵ با حضرت آقا، این ارادت ویژه را به عمیق‌ترین وجه نشان داد. مرحوم دکتر فردی این دیدار را این‌گونه وصف کرده است:

«... دیدار آقا و استاد حکایتی است که با کلام توصیف نمی‌شود، بسیار صحنه دلاویزی بود از این جهت که من با تمام رفتارها و سکنات استاد حکیم آشنایی دارم، برای من این نوع استقبال استاد بسیار شگفت‌انگیز بود. این دو همدیگر را به آغوش کشیدند و استاد تا دست آقا را در دست گرفت، گریه عجیبی سرکرد. دست آقا را به سینه فشرد و گفت «ابوالفضل مائی». آخر این چه شقاوتی است که با این دست چنین بکنند؟ گریان و دادخواه زمزمه می‌کرد و من گوش به این نجواها خوابانده. منظره تاریخی بود. گریه امانش نمی‌داد و تا دقایقی بعد از اینکه هر دو جلوس فرمودند، استاد همچنان می‌گریست و هنگام نشستن هم چندی دستشان را روی دست آقا گذاشته بودند...»

روز بعد شهریار درباره رهبر معظم انقلاب این‌گونه سروده بود:

شهید زنده ما خود رئیس‌جمهوری‌ست
که چون وصیّ رسولش بوَد جمال غدیر

شهریار به مناسبت‌های مختلف برای مقام رهبری (که در آن زمان رئیس‌جمهوری بودند) شعر سرود، از جمله زمانی که در کنفرانس غیرمتعهدها در هراره و سپس مجمع عمومی سازمان ملل، بیانات کوبنده‌ای ایراد کردند و همه جهان استکبار را به چالش کشاندند.

شیفته اهل بیت (علیهم‌السلام)

شهریار از دیرباز دلبسته اهل‌بیت علیهم‌السلام بود و سال‌های پس از انقلاب نیز دل در گرو آن داشت. از همان زمان که شعر «علی ای همای رحمت» را به گونه‌ای شگفت‌انگیز سرود، نشان داد که گوهری گرانبها در وجودش نهفته است، شاید از همین روی، فراتر از بسیاری شاعران و هنرمندان، انقلاب را همچون دری گرانبها پاس داشت. و شهریار همه این موضوعات را در قالب و فرمی بسیار هنری و قوی ارائه نمود که شاید تا سال‌های سال کسی نتواند همردیف او به عرصه شعر و ادب و هنر آید.

اما شهریار نیز مانند همه ما، گمشده و منتَظَری داشت که ابیات پایانی‌اش را برای آن آرزوی دل همه مسلمانان و آزادگان جهان سرود. شهریار در ابیات پایانی خود سخن از گمگشته‌ای دارد که همه منتظر اویند:

خدا ارث زمین به صالحان داد   سرآید قصه فرعون و قیصر...
خدایا، نایب مهدی رساندی   به مهدی هم رسان احسان به آخر

معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی:

توافق قاهره طرف اروپایی را گستاخ‌تر کرد

سرویس سیاسی-

رئیس سازمان انرژی اتمی با تأکید بر پیامدهای توافق قاهره، هشدار داد که «از لحظه‌ای که توافقنامه میان عراقچی و گروسی امضا شد، شاهد مواضع جدید و تندتری از سوی اروپایی‌ها بودیم». تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد اروپا نه توان ایفای نقش مستقل دارد و نه اراده‌ای جز دنباله‌روی از آمریکا؛ تمدید امکان استفاده اروپا از مکانیسم ماشه و استمرار قطعنامه ۲۲۳۱ تنها بستر فشار و تهدید جدیدی علیه ایران را تقویت می‌کند.

پس از امضای «توافق ترتیبات فنی» میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قاهره که بر پایه رویکردی سخاوتمندانه و اعتمادساز از سوی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت، برخی از ناظران تصور می‌کردند این گام دیپلماتیک می‌تواند مانع از مواضع تند و غیرقانونی طرف‌های غربی به‌ویژه ترویکای اروپایی شود اما واقعیت صحنه دقیقاً عکس آن بود؛ این توافق نه‌تنها منجر به اصلاح رفتار اروپا در موضوع مکانیسم ماشه نشد، بلکه «اروپایی‌ها را گستاخ‌تر کرد».

بیانیه تروئیکای اروپایی؛ چشم‌پوشی از حمله به تأسیسات ایران، اتهام‌پراکنی علیه تهران

نمونه بارز این گستاخی در بیانیه اخیر تروئیکای اروپایی در اجلاس شورای حکام آشکار شد. اروپا در این بیانیه، با بی‌شرمی تمام از کنار حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران ـ که عضو رسمی معاهده NPT و متعهد به پادمان‌هاست ـ گذشته و در عوض، اتهامات نخنما علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران تکرار شد.

سه کشور اروپایی در این بیانیه مدعی شده‌اند ایران با ایجاد «کارخانه غنی‌سازی سوخت اصفهان» و عدم اجازه به بازرسان آژانس، مسیر جدیدی در پیش گرفته است؛ ادعایی که بیشتر به سناریوسازی سیاسی شباهت دارد تا گزارش فنی. آنها در ادامه با لحنی طلبکارانه اعلام کرده‌اند که آژانس نزدیک به سه ماه از وضعیت هزاران کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ایران بی‌اطلاع است، در حالی که اصل این تأخیر ناشی از همان رفتارهای خصمانه و حمایت اروپا از حملات خرابکارانه به تأسیسات هسته‌ای ایران است.

در واقع، همین بخش از بیانیه ترویکای اروپایی به‌خوبی نشان می‌دهد که هدف اصلی آنها نه نظارت فنی و اجرای دقیق مقررات آژانس، بلکه فشار سیاسی و زمینه‌سازی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه است. چراکه اگر دغدغه واقعی اروپا شفافیت برنامه هسته‌ای ایران بود، نخست باید به این پرسش پاسخ می‌دادند که چگونه می‌توان از کشوری انتظار همکاری کامل داشت، در حالی که چندی پیش مهم‌ترین تأسیسات هسته‌ای‌اش هدف حمله خرابکارانه قرار گرفته و نه‌تنها اروپا آن را محکوم نکرد، بلکه عملاً با سکوت و بی‌تفاوتی، چراغ سبز به عاملان این تجاوز آشکار داد؟

اروپا؛ مدعی ولی در واقعیت متهم

اروپایی‌ها در این بیانیه حتی پا را فراتر نهاده و ادعا کرده‌اند که ایران از سال ۲۰۱۹ تاکنون به‌طور مداوم تعهدات برجامی خود را نقض کرده و شرایط کافی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه وجود داشته است. آنها بار دیگر تأکید کردند که موضوع هسته‌ای ایران باید در دستور کار شورای امنیت باقی بماند و تحریم‌های سازمان ملل لغو نشود. این مواضع در حالی بیان می‌شود که همان کشورهای اروپایی، به‌عنوان اعضای متعهد برجام، کوچک‌ترین تعهدات اقتصادی و سیاسی خود در قبال ایران را اجرا نکرده‌اند و اکنون با ژست «پلیس بد» تلاش می‌کنند فشار حداکثری آمریکا را تکمیل کنند.

اتفاقاً همین بخش از بیانیه ترویکای اروپایی، سند روشنی بر میزان عناد و خصومت آنها با جمهوری اسلامی ایران است. آنان با صراحت اعلام کرده‌اند که «از سال ۲۰۱۹ تاکنون دلایل کافی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه وجود داشته است» و تنها به‌دلایل سیاسی این اقدام را به تعویق انداخته‌اند. به بیان دیگر، سه کشور اروپایی ناخواسته پرده از نیت واقعی خود برداشتند؛ نیتی که چیزی جز فشار دائمی، تهدید مستمر و گروگان‌گیری پرونده هسته‌ای ایران نیست.

این اعتراف آشکار به هر فرد منصفی نشان می‌دهد که حتی هر اقدام از روی حسن نیت و هر نوع اعتمادسازی در موضوع هسته‌ای نیز نمی‌تواند پایانی بر خصومت غربی‌ها باشد. تجربه برجام و همچنین مذاکرات چندین سال اخیر ثابت کرده است که هر بار ایران گامی برای اعتمادسازی برداشته، طرف‌های اروپایی نه‌تنها پاسخ مثبت نداده‌اند بلکه سطح مطالبات و زیاده‌خواهی‌های خود را افزایش داده‌اند. بنابراین، سخن گفتن از «بازگشت اروپا به تعهدات» یا «اصلاح رفتار آنها در سایه توافقات جدید» چیزی جز ساده‌انگاری نیست.

از قاهره تا وین؛ دیپلماسی سخاوتمندانه ایران و مواضع تند اروپا

محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی و معاون رئیس‌جمهور، در پایان اجلاس شورای حکام آژانس به نکته‌ای اساسی اشاره کرد: «پیش از این، کشورهای اروپایی همکاری ایران با آژانس را یکی از شروط اصلی خود عنوان می‌کردند، اما درست از لحظه‌ای که توافقنامه میان وزیر محترم امور خارجه کشورمان و مدیرکل آژانس امضا شد، شاهد مواضع جدید و تندتری از سوی آنان بودیم.»

این سخنان اسلامی بازتاب واقعیت تلخی است که بارها در تجربه ۲۲ ساله مذاکرات هسته‌ای دیده‌ایم؛ هر زمان ایران با حسن‌نیت و در چارچوب دیپلماسی سازنده گامی رو به جلو برداشته، طرف‌های غربی به‌جای پاسخ متقابل، بر گستاخی خود افزوده‌اند.

موضع درست محمد اسلامی در وین بار دیگر نشان داد غربی‌ها، به‌ویژه ترویکای اروپایی، نه‌تنها بازیگر و طرف قابل‌اعتمادی نیستند، بلکه خود بخشی از مشکل هستند.

از این زاویه، اظهارات اسلامی صرفاً یک نقد سیاسی نبود بلکه تبیین یک واقعیت راهبردی است. او با این سخنان توانست به درستی نشان دهد که توافق قاهره به‌جای آنکه زمینه‌ساز کاهش تنش باشد، بهانه‌ای تازه برای تشدید زیاده‌خواهی اروپا شد.

طلبکاری اروپا در هنگامه دیپلماسی سخاوتمندانه ایران

همزمان با این تحولات، دیپلماسی ایران متوقف نشد. تماس سید عباس عراقچی با «بارو» وزیر خارجه فرانسه در شامگاه ۲۵ شهریور و همچنین رایزنی‌های متوالی روز بعد میان ایران و تروئیکای اروپایی و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نشان داد که جمهوری اسلامی همچنان راه دیپلماسی را باز گذاشته است.

اما پاسخ اروپا چیزی جز طلبکاری نبود. «کایا کالاس» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در مواضعی متناقض و متکبرانه اعلام کرد: «ایران باید همکاری کامل خود را با آژانس نشان دهد و بدون تأخیر اجازه بازرسی بدهد... پنجره دیپلماسی رو به بسته شدن است.» او حتی با اشاره به روند فعال‌سازی اسنپ‌بک مدعی شد تنها چند هفته تا بازگشت تحریم‌ها باقی است؛ تهدیدی که نشان می‌دهد اروپا اساساً توافق قاهره را نه امتیاز ایران، بلکه فرصتی برای امتیازگیری بیشتر خود تلقی کرده است.

اروپا؛ ۲۲ سال بازی پلیس بد

بررسی تاریخی مذاکرات هسته‌ای نشان می‌دهد اروپا در هیچ مقطعی نقش مثبت نداشته است. از بروکسل و سعدآباد گرفته تا برجام و امروز، طرف‌های اروپایی همواره در نقش «پلیس بد» ظاهر شده و نه‌تنها باری از دوش دیپلماسی برنداشته‌اند، بلکه فشارها را تشدید کرده‌اند.

دقیقاً همین‌جاست که باید بر نکته‌ای کلیدی تأکید کرد: اروپای امروز دیگر نه جایگاهی در ساختار قدرت جهانی دارد و نه اراده‌ای مستقل برای ایفای نقش میانجی یا حتی بازیگر مؤثر در منازعات بین‌المللی. اگر در گذشته و دوران جنگ سرد برخی از پایتخت‌های اروپایی می‌کوشیدند خود را قطب سوم در برابر آمریکا و شوروی معرفی کنند، و اگر آنان در دوران پس از فروپاشی شوروی به دنبال نقش‌آفرینی بین‌المللی بودند، امروز در سال ۲۰۲۵ حتی این توهم نیز فرو ریخته است. اروپا نه در عرصه امنیتی و نظامی قدرتی تعیین‌کننده دارد، نه در اقتصاد جهانی توان نقش‌آفرینی در برابر ابرقدرت‌هایی همچون چین و آمریکا را یافته و نه در حوزه سیاسی و دیپلماتیک مرجعیت و وزنی برای اعمال نفوذ مستقل داشته و دارد. رفتار ترویکای اروپایی در موضوع ایران، نیز بازتاب همین وضعیت حقیرانه است. آنها به‌جای ابتکار عمل یا نقش‌آفرینی سازنده، سیاست خارجی خود را در عمل به آمریکا تفویض کرده‌اند و صرفاً در قالب یک حرکت دنباله‌رو (bandwagon) به واشنگتن می‌چسبند. بیانیه‌های پیاپی علیه ایران، تهدید به فعال‌سازی اسنپ‌بک و حتی لحن گستاخانه‌ای که در مواضع اخیرشان دیده می‌شود، همه و همه ادامه همان سناریویی است که در اتاق‌های فکر آمریکایی نوشته می‌شود و از پاریس، برلین، لندن و بروکسل صرفاً قرائت می‌گردد.

به بیان روشن‌تر، اروپا در پرونده هسته‌ای ایران نه «واسطه‌ی» خوبی بوده است، نه عزمی برای حل اختلافات داشته است، آنان صرفاً مجری سیاست‌های فشار حداکثری آمریکا هستند و در این مسیر، به‌رغم هزینه‌های اقتصادی و سیاسی که متحمل می‌شوند، کوچک‌ترین تلاشی برای خروج از سایه واشنگتن ندارند. این تبعیت کورکورانه نشان می‌دهد که آنچه روزی به نام «اتحادیه اروپا و قدرت اروپایی» قرار بود قدرتی مستقل در جهان باشد، امروز به نهاد و کشورهایی بی‌خاصیت و دست‌نشانده در نظام بین‌الملل تقلیل یافته‌اند.

توافق قاهره اروپا را گستاخ‌تر کرد. در چنین شرایطی، اتکای بیش از حد به وعده‌های اروپا نه‌تنها سودی برای ایران ندارد، بلکه هزینه‌های سیاسی و امنیتی کشور را افزایش می‌دهد. راهبرد دولت باید همچنان بر توسعه روابط با قدرت‌های نوظهور و کشورهای مستقل استوار باشد.

جدای از این تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ نیز خطایی بزرگ و راهبردی است. مسئله اصلی که باید به‌طور جدی مورد بررسی قرار گیرد این است که پس از پایان بازه تمدیدی چه اتفاقی قرار است رخ دهد؟ آیا واقعاً کسانی هستند که هنوز امید بسته‌اند به اروپا و آمریکا، همان‌ها که در یک سال اخیر بدترین مواضع و خصمانه‌ترین اقدامات از جمله حمله به تاسیسات هسته‌ای را علیه ایران اتخاذ کرده‌اند، در چند ماه آینده ناگهان تغییر رویه دهند و سیاست تهدید و فشار خود را کنار بگذارند؟

پاسخ روشن است؛ هیچ نشانه‌ای از تغییر رفتار اروپا و آمریکا دیده نمی‌شود و اساساً چنین انتظاری، ساده‌لوحی سیاسی است. غربی‌ها بارها و بارها نشان داده‌اند که حتی در اوج مذاکرات نیز به دنبال امتیازگیری یک‌طرفه‌اند و هیچ‌گاه از ابزار تحریم، تهدید و مکانیسم‌ماشه دست نخواهند کشید. بنابراین، انتظار وقوع «اتفاق خاص» یا «باز شدن پنجره دیپلماسی» در پایان بازه تمدیدی بیشتر به توهم خوش‌باوران شباهت دارد تا واقعیت سیاسی.

تمدید قطعنامه ۲۲۳۱، همان‌طور که تجربه سال‌های اخیر ثابت کرده، اشتباهی استراتژیک است؛ خطایی که نه‌تنها هیچ دستاورد ملموسی برای ایران به همراه نخواهد داشت، بلکه زیان‌های فراوانی به دنبال خواهد آورد. این تمدید یعنی استمرار فضای تهدید، ادامه گروگان‌گیری هسته‌ای و حفظ ابزار حقوقی برای فشارهای بیشتر. در حالی‌که پایان این قطعنامه می‌تواند بهانه‌های دائمی اروپا و آمریکا را از میان بردارد، تمدید آن عملاً تداوم همان چرخه‌ای است که طی دو دهه گذشته، فرصت‌های بزرگ کشور را سوزانده است.

عراقچی:

اروپا از بازیگرانی که ارزشی برای دیپلماسی و اصول حقوق بین‌الملل قائل نیستند، تأثیر نپذیرد

وزیر امور خارجه گفت: اروپا از بازیگرانی که ارزشی برای دیپلماسی و اصول حقوق بین‌الملل قائل نیستند، تاثیر نپذیرد.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و وزرای خارجه فرانسه، آلمان و انگلیس و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی، عصر روز چهارشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴، در تماس تلفنی مشترک راجع به موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌های ظالمانه علیه ایران گفت‌وگو کردند.

در این تماس، وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به موضع اصولی ایران مبنی بر اهمیت حفظ فضای گفت‌وگو و دیپلماسی برای جلوگیری از افزایش تنش‌ها، اقدام سه کشور اروپایی برای بازگرداندن تحریم‌های لغو شده شورای امنیت را فاقد هرگونه توجیه قانونی و منطقی دانست و تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران با رویکردی مسئولانه وارد گفت‌وگو با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شده و شیوه‌نامه روشنی راجع به نحوه ایفای تعهدات پادمانی ایران در وضعیت جدید تدوین کرد که لازم است اهمیت و ارزش این اقدام از سوی همه طرف‌ها درک شود. اکنون نوبت طرف‌های مقابل است که از این فرصت برای تداوم مسیر دیپلماتیک و جلوگیری از یک بحران قابل اجتناب استفاده کنند و جدیت و باورمندی خود را نسبت به دیپلماسی نشان دهند.

عراقچی تاکید کرد: ایران برای رسیدن به راه‌حل منصفانه و متوازن که متضمن منافع متقابل باشد آمادگی دارد؛ نیل به چنین هدفی مستلزم رویکرد مسئولانه و مستقل از سوی سه کشور اروپایی و خودداری از تاثیرپذیری از ناحیه بازیگرانی است که هیچ ارزشی برای دیپلماسی و اصول و قواعد حقوق بین‌الملل قائل نیستند.

در این گفت‌وگوی تلفنی، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای متقابل برای تداوم دیپلماسی مورد تبادل‌نظر قرار گرفت.

مقاله وارده

تصویب CFT بازی در پازل دشمن است

سید محمدمهدی غمامی*

مقدمه:

در روزهایی که جبهه مقاومت در خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی و حامیان غربی‌اش قرار دارد، طرح دوباره تصویب و پیوستن به کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم (CFT)، چیزی جز بازی کردن در پازل آمریکا و پشت کردن به جبهه مقاومتی که تحت سنگین‌ترین فشارها در حال مبارزه با رژیم صهیونیستی است، نخواهد بود. آمریکا آشکارا از خلع سلاح حزب‌الله و دیگر گروه‌های مقاومتی که از جان و مال و سرزمین خود دفاع می‌کنند با برچسب تروریسم سخن می‌گوید؛ این در حالی است که جریان‌هایی در داخل در تلاش برای پیوستن ایران به این کنوانسیون هستند؛ کنوانسیونی که دفاع حماس از خود در برابر جنایات رژیم صهیونیستی را اقدامات تروریستی می‌داند.

CFT؛ زنجیر تازه بر دست ملت و مقاومت

CFT داستان تازه‌ای نیست. سال‌هاست که جریان‌های مختلف داخلی، به‌ویژه دولت تدبیر و امید، در پی تصویب و اجرای آن بودند. در تمام این مدت، این لایحه بارها در مجلس بررسی شد و حتی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام «کان لم یکن» تلقی گردید. با وجود این، امروز دولت فعلی دوباره پیگیر زنده کردن همین لایحه است. روندی که به‌واسطه شرایط جنگ تحمیلی متوقف مانده بود، حالا با فشارهای جدید و فضاسازی رسانه‌ای دوباره به جریان افتاده است. این بازگشت، بیش از هر چیز نشان‌دهنده عزم برخی جریان‌ها برای گشودن درهای کشور به‌روی نفوذ دشمن است.

CFT صرفاً یک معاهده حقوقی نیست؛ این لایحه اسب تروای غرب برای نفوذ به ساختارهای داخلی ایران است. پشت الفاظ پر زرق‌وبرق «مبارزه با تروریسم» چیزی جز باز کردن درهای کشور به روی دخالت و تسلط بیگانگان پنهان نشده است. با پیوستن به CFT، دشمنان می‌توانند به بهانه‌های حقوقی هرگونه ارتباط با جبهه مقاومت را سد کنند. این یعنی انداختن زنجیر تازه‌ای بر دست گروه‌های مقاومت، با دست خودمان.

CFT؛ مهر تأیید بر خواست آمریکا

CFT چیزی جز سندی برای تثبیت خواست‌های آمریکا نیست. غربی‌ها سال‌هاست که ایران و مقاومت را با برچسب «تروریسم» هدف گرفته‌اند؛ حالا با CFT می‌خواهند این اتهام را به قانون تبدیل کنند و ما به دست خودمان آن را امضا کنیم. تصویب این لایحه یعنی قبول کردن اینکه حمایت ایران از حزب‌الله و گروه‌های مقاومت جرم است. این همان چیزی است که واشنگتن و تل‌آویو سال‌ها در رؤیای آن بوده‌اند.

تجربه تاریخی نشان داده است هر جا که ایران قدمی عقب نشست، دشمن ده قدم جلو آمد. برجام نمونه روشن همین راهبرد بود؛ قراردادی که با هزار امید و آرزو امضا شد، اما نه‌تنها هیچ تحریمی را لغو نکرد، بلکه تحریم‌های جدیدی هم بر کشور تحمیل شد. امروز همان جریان‌هایی که شکست برجام را رقم زدند، دوباره می‌خواهند با نام CFT، طناب تازه‌ای به گردن ملت بیندازند. این بازی، چیزی جز باز کردن دست آمریکا برای فشارهای بیشتر نیست. تصویب چنین لایحه‌ای یعنی پذیرفتن قیمومت دشمن و بستن دست ایران در حمایت از مقاومت؛ همان مقاومتی که سد راه پروژه‌های آمریکا در منطقه شده است.

CFT، یک میدان مین سیاسی است که دشمن طراحی کرده تا امنیت ملی ایران را از درون متلاشی کند. جبهه مقاومت تنها یک جریان منطقه‌ای نیست؛ بلکه دیوار دفاعی ایران در برابر تروریسم و تجزیه‌طلبی است. اگر ایران نتواند از حزب‌الله و گروه‌های آزادی‌بخش حمایت کند، فردا باید داعش‌های جدید را در مرزهای خودمان مهار کنیم. تصویب CFT یعنی بریدن دست ایران و سپردن امنیت ملت به دستان خون‌آلود دشمن.

متن CFT، اعمال حق شرط بر تعریف تروریسم را نمی‌پذیرد.

ایران بر طبق اصل ۱۵۴ قانون اساسی تعهد به حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفان داده و بر اساس این اصل در قانون اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم بر حق افراد، ملت‌ها، گروه‌ها و یا سازمان‌های آزادی‌بخش با هدف مقابله با سلطه، اشغال خارجی، استعمار و نژادپرستی تاکید کرده است. اما نکته اینجاست که این معاهده در ماده ۶ خود بیان می‌کند که:

«هر کشور عضو در موارد لزوم و عندالاقتضاء اقداماتی را نظیر تدوین قانون داخلی اتخاذ خواهد نمود تا اطمینان حاصل نماید اعمال جزائی منظور در این کنوانسیون تحت هیچگونه شرایطی با توجه به ملاحظات مربوط به ماهیت سیاسی، فلسفی عقیدتی، نژادی، قومی، مذهبی و یا غیره توجیه نباشند».

حمایت از گروه‌هایی که با رژیم صهیونیستی در حال مبارزه هستند یک اصل اسلامی است که جمهوری اسلامی ایران اصل را به رسمیت می‌شناسد. طبق آنچه که در ارتباط با ماده ۶ بیان شد، در صورت پیوستن به این کنوانسیون، نظام جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند از اقداماتی مانند مبارزه گروه‌های مقاومت با رژیم صهیونیستی حمایت کند و آن را تامین مالی کند. براین اساس، شورای نگهبان این ماده را خلاف شرع دانسته است.

جمع‌بندی

CFT نه «مصلحت» است و نه «راه‌حل» بلکه یک تله است. هر رأی به این لایحه، نه‌تنها مهر تأیید بر خواست آمریکا، بلکه پشت کردن به خون شهدا و آرمان‌های انقلاب و جبهه مقاومت است. اگر امروز مجمع در این دام قدم بگذارد، فردا هیچ توجیهی در برابر ملت نخواهد داشت. تنها انتخاب درست، رد قاطع CFT و ایستادن محکم در کنار مقاومت است؛ چرا که راه عزت، مقاومت است نه تسلیم.

---

* دانشیار حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

نامه سرگشاده اساتید حوزه:

کنوانسیون استعماری CFT توسط ابرجنایتکاران عالم تدوین و تهیه شده است

جمعی از اساتید و طلاب حوزه علمیه قم در نامه‌ای سرگشاده به آیت‌الله آملی لاریجانی نگرانی‌های خود درباره پیوستن ایران به کنوانسیون CFT را مطرح و خاطرنشان کردند: انتظار می‌رود با تبیین صحیح فقهی و اجتماعی-سیاسی خلاف شرع و مصلحت بودن این کنوانسیون استعماری برای سایر اعضای مجمع، با رد این لایحه، این منفذ امید جبهه استکبار به سلطه بر منافع ملی این کشور امام زمان (عج) (که خلاف صریح آیه نفی سبیل قرآن است) را بر آنان ببندید. ان‌شاءالله.

به دنبال درخواست رئیس‌جمهور از رهبری معظم انقلاب اسلامی مبنی بر بررسی مجدد (برای سومین بار) لایحه پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون استعماری «سی.اف.تی»، جمعی از اساتید و فضلای حوزه علمیه قم به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نامه نوشتند.

در این نامه آمده است:

حضرت آیت‌الله آملی لاریجانی (دامت توفیقاته)
سلام علیکم

به دنبال درخواست آقای رئیس‌جمهور از رهبری معظم انقلاب اسلامی مبنی بر بررسی مجدد (برای سومین بار) لایحه پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون استعماری CFT در آن مجمع، با کمال تاسف باخبر شدیم که جنابعالی و برخی از اعضای آن مجمع علی‌رغم ایرادات اساسی وارده از سوی شورای محترم نگهبان، در مقام توجیه و جلب نظر اعضا جهت تصویب آن برآمده‌اید، موضوعی که موجبات نگرانی علما و اساتید آگاه به مفاد لایحه را به دنبال داشته است. لذا بر خود لازم دانستیم توجه آنجناب و سایر اعضا را به نکات ذیل معطوف داریم. امید است که آن مجمع با تأملی مجدد، این کنوانسیون استعماری را که توسط ابرجنایتکاران عالم، آمریکا، اروپا و صهیونیسم جهانی تدوین و تهیه شده است و هم آنها سازمان مربوط به آن (FATF) را اداره می‌کنند، رد کرده و برای همیشه از دستور کار مجمع خارج نمایند.

در نامه مورد اشاره خاطرنشان شده است: ایرادات وارده بر این لایحه از سوی شورای محترم نگهبان در دو حوزه «فقهی - حقوقی» و نیز «مصلحت» ایراداتی کاملا متقن و غیرقابل خدشه است. به عنوان نمونه معنای تروریسم از نگاه این لایحه با معنای تروریسم از نگاه اسلام و جمهوری اسلامی کاملا متفاوت است. مطابق مواد ۲ و ۶ این لایحه، مبارزات گروه‌های مقاومت از جمله حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و حماس و حتی سپاه پاسداران علیه جنایات رژیم صهیونیستی به عنوان تروریسم تلقی خواهد شد، همان‌گونه که در دعوای حقوقی اوکراین (به نمایندگی از استکبار) علیه روسیه در قالب CFT، اقدامات دو جمهوری دونتسک و لوهانسک عملا از سوی دادگاه لاهه به عنوان تروریسم شناسایی شد. لذا پذیرش و تصویب این لایحه از سوی مجمع، جمهوری اسلامی را ملزم به همکاری با دشمنان کرده تا برخلاف امنیت و منافع ملی، اطلاعات تمامی منابع مالی و فرآیند آن در تامین نهادهای انقلابی کشور و جبهه مقاومت را در اختیار آنان قرار دهد. متاسفانه این اقدام پیش از این و در دولت دوازدهم رخ داده و منجر به شناسایی برخی از دورزنندگان تحریم توسط دشمن شده بود. این موضوع می‌تواند اقدامات سپاه پاسداران در عرصه اقتصادی - معیشتی در کمک به دولت و مردم شریف ما و نیز حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور را با اخلال یا بن‌بست جدی مواجه نماید، یا در صورت عدم همکاری با دشمن، به استناد این لایحه بسترهای جدیدی از تحریم و فشارهای حقوقی - سیاسی علیه جمهوری اسلامی را پدید خواهد آورد.

در ادامه این نامه آمده است: طبق ماده ۲۴ آیین‌نامه مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصلحت طرح‌هایی که در این نهاد برای تصمیم‌گیری مطرح می‌شوند باید «بیّن و واضح» باشند. این اصل حاکی از آن است که هرگونه ابهامی در مورد پیامدها، مضرات و منافع کنوانسیون CFT باید رفع شده و برای این مسائل توضیحاتی شفاف و قابل دفاع مطرح گردد. حال این سؤال مطرح است که چه مصلحتی وجود دارد که بالاتر از شرع مقدس اسلام و قانون اساسی قرار دارد و موجب پذیرش این کنوانسیون می‌شود؟ تاکنون نه از سوی دولت و نه از سوی جنابعالی، دلیل متقنی بر مصلحت این اقدام اقامه نگردیده است. لذا استنادات جنابعالی و سایر موافقین لایحه در تمسک به مصلحت بودن آن مغایر و بلکه منافی آئین‌نامه مجمع می‌باشد. در تبیین فوائد این لایحه، استناد موافقین به گشوده شدن راه‌های تبادلات مالی - اقتصادی است. با توجه به بدعهدی آمریکا، اروپا و غرب در کارنامه صدساله خود به‌ویژه در فرآیند برجام، این استدلال چیزی جز یک توهم باطل نیست. غربی‌ها هیچ‌گاه جهت مقابله و توطئه و فشارهای اقتصادی و امنیتی علیه جمهوری اسلامی از تولید بهانه‌های جدید عاجز نبوده و نمی‌باشند. امروز کنوانسیون CFT و فردا بهانه‌ای دیگر را در دستور کار خود قرار خواهند داد.

جمعی از اساتید و فضلای حوزه علمیه قم همچنین خاطرنشان کردند: بررسی این لایحه با توجه به گذشت بیش از ۶ ماه از اجازه مقام معظم رهبری، خلاف ماده ۳۱ آیین‌نامه داخلی مجمع می‌باشد. رویه سابق مجمع در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که اجازه مقام معظم رهبری، لازمه بررسی مجدد لایحه پس از اتمام مهلت قانونی است و بنابراین استناد سخنگوی مجمع مبنی بر فاقد تاریخ بودن نامه مقام معظم رهبری مسموع نبوده و بر فرض تصویب، لایحه هیچ‌گونه وجاهت قانونی و شرعی برای اجرا را ندارد. در شرایطی که جبهه اسلام که در راس آن جمهوری اسلامی عزیز قرار دارد، در منطقه مشغول مبارزه بی‌وقفه با رژیم صهیونیستی و اربابان آن است، و امت اسلامی توقع برخورد قاطعانه با دشمنان را دارند، تصویب چنین لایحه‌ای که مستقیما گروه‌های مقاومت را هدف گرفته است، ارسال پیام ضعف به دشمنان خواهد بود و دوستان را نیز دچار دلسردی و ناامیدی خواهد کرد. این اقدام موجبات گستاخی دشمنان را فراهم آورده و اراده آنان در حملات مجدد علیه میهن اسلامی را تسریع خواهد نمود. چیزی که اخیرا به صراحت مورد نهی مقام معظم رهبری قرار گرفته است.

در نامه اشاره شده، افزون بر این آمده است: انتظار می‌رود با تبیین صحیح فقهی و اجتماعی-سیاسی خلاف شرع و مصلحت بودن این کنوانسیون استعماری برای سایر اعضای مجمع، با رد این لایحه، این منفذ امید جبهه استکبار به سلطه بر منافع ملی این کشور امام زمان «عج» (که خلاف صریح آیه نفی سبیل قرآن است) را بر آنان ببندید. ان‌شاءالله.

حاجی‌دلیگانی:

پیوستن ایران به CFT بازی در پازل نظم غربی است

نماینده شاهین‌شهر در مجلس شورای اسلامی ضمن انتقاد از بررسی مجدد CFT در مجمع تشخیص مصلحت، اظهار داشت: پیوستن ایران به لوایح پالرمو و CFT بازی در پازل نظم غربی است و تصویب این لایحه به ضرر استقلال کشورها و ملت‌های آزاداندیش در ایران و جهان است.

حسینعلی حاجی‌دلیگانی، نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و نماینده مردم شاهین‌شهر طی گفت‌وگو با فارس ضمن بیان اینکه در ماه‌های اخیر، بررسی عضویت در لوایح پالرمو و CFT مجدداً در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت، گفت: پس از تصویب لایحه پالرمو، از هفتم خرداد ۱۴۰۴، پیوستن به CFT مورد بررسی مجمع قرار گرفته است؛ اما یکی از مسائل مطرح‌شده، اتمام زمان قانونی مجمع برای بررسی این لایحه بود.

وی افزود: رئیس‌جمهور به دلیل پایان مهلت بررسی مجمع، در دی‌ماه ۱۴۰۳ در نامه‌ای به مقام معظم رهبری، درخواست تمدید مهلت بررسی CFT در مجمع را مطرح کرد و رهبری نیز با آن موافقت کردند.

نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، در رابطه با اتمام مهلت قانونی بررسی CFT در مجمع بیان کرد: طبق آیین‌نامه مجمع تشخیص، مهلت بررسی و اظهارنظر مجمع درباره مصوبات مجلس که نظر شورای نگهبان را تأمین نکرده است، حداکثر سه ماه است و برای سه ماه دیگر نیز می‌توان آن را تمدید کرد؛ بنابراین با توجه به تاریخ نامه رئیس‌جمهور به مقام معظم رهبری و اجازه اخذ شده با موضوع تمدید مهلت بررسی، این مهلت در تیرماه ۱۴۰۴ به پایان رسید.

حاجی‌دلیگانی افزود: سابقاً نیز آقای روحانی درخواست تمدید مهلت بررسی را از مقام معظم رهبری داشت که با موافقت ایشان، مجمع مجدداً رسیدگی کرده بود.

وی تأکید کرد: رفتار سیاسی و خلاف آیین‌نامه مجمع، خلاف مصلحت است و باب غلطی را در کشور باز می‌کند که موقعیت نهادهای قانونی کشور، به‌ویژه مجمع تشخیص مصلحت نظام را تضعیف می‌کند.

نماینده شاهین‌شهر همچنین افزود: با توجه به نوع تعریف اقدامات تروریستی در CFT، تصویب این لایحه به ضرر استقلال کشورها و ملت‌های آزاداندیش در جهان و ایران است.

حاجی‌دلیگانی در پایان متذکر شد: اکنون که نظم جهانی در حال تغییر است و نظم غربی در حال نابودی است، باید تمام اقدامات کشور با جاگذاری ایران در نظم جدید متناسب باشد. پیوستن ایران به CFT، بازی در پازل نظم غربی و تقویت‌کننده آن است و باعث نگاه منفی شرکای راهبردی ایران نسبت به ما و تضعیف جایگاه ما در نظم جدید می‌شود.

سردار حسن‌زاده تشریح کرد

نقش تخصصی بسیج در پشتیبانی از نیروی هوافضا در جنگ ۱۲ روزه

فرمانده سپاه محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ با تقدیر از تیم‌های تخصصی بسیج برای پشتیبانی از نیروی هوافضای سپاه، گفت: این نیروها با حضور خود و ایجاد امنیت و پدافند محیطی در اطراف محل‌های شلیک موشک و پدافند محیطی، امکان شلیک موج‌های مختلف موشک را فراهم کردند.

سردار سرتیپ پاسدار حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ طی بازدید از خبرگزاری دفاع مقدس و در گفت‌وگو با خبرنگار این خبرگزاری ضمن تأکید بر اینکه هشت سال دفاع مقدس مظلومیت، اقتدار و سرافرازی ملت ایران را به جهان اثبات کرد، اظهار داشت: واژه «دفاع مقدس» در ذهن و قلب مردم ایران، تداعی‌گر رشادت، ایثار، جهاد، شهامت و شهادت است و به دلیل آفرینش برگ‌های زرین در تاریخ کشور، برای جوانان و نوجوانان، ارزشمند است.

اهداف دشمن در دو مقطع دفاع مقدس ۸ ساله و ۱۲ روزه

سردار حسن‌زاده با اشاره به تفاوت اصلی هدف دشمن در دو مقطع هشت سال دفاع مقدس و جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اذعان داشت: در آغاز جنگ تحمیلی، هدف نابودی انقلاب اسلامی بود، اما در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، هدف دشمن جلوگیری از نابودی خودش بود. رژیم صهیونیستی پس از عملیات طوفان‌الاقصی که از سوی نیروهای مقاومت فلسطین صورت گرفت، عملاً نابود شده بود و اگر آمریکا و اروپا به کمک آن نمی‌آمدند، تا امروز فروپاشیده بود. این رژیم دچار فروپاشی سیاسی، اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی و امنیتی شده بود که خود شکستی بزرگ محسوب می‌شود.

فرمانده سپاه حضرت محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ با بیان اینکه در هر دو جنگ (دفاع مقدس هشت ساله و دفاع مقدس ۱۲ روزه)، همان مؤلفه‌های قدرت، ملت ایران را به پیروزی رساند، تأکید کرد: امروز درک می‌کنیم که چرا رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) از راهیان نور به عنوان یک «فناوری» یاد می‌کنند. نیروهای ارزشی با برگزاری یادواره‌های شهدا و زنده نگه داشتن خاطره رشادت‌ها و شهادت‌ها، فضا را به گونه‌ای پیش بردند که پس از ۴۰ سال، با تهاجم ناجوانمردانه مجدد استکبار، همان مؤلفه‌ها بار دیگر ظاهر شد و پیروزی مضاعفی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه برای ملت ایران به ارمغان آورد.

آمادگی کامل نیروهای بسیج در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

سردار حسن‌زاده با اشاره به آمادگی کامل نیروهای بسیج در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه گفت: از زمان آغاز این نبرد، شاهد حضور همه اقشار مردم، دستگاه‌ها، مجموعه‌های انتظامی و نظامی اعم از موشکی، پدافندی و به‌ویژه بسیج برای دفاع و برقراری امنیت بودیم. ما در تهران تمامی آمادگی‌ها را از قبل پیش‌بینی و تمامی تمرینات را انجام داده بودیم. برای هر تهدید و هر سناریوی احتمالی دشمن، طراحی و سازماندهی لازم صورت گرفته بود. با حمله ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی در نیمه‌شب به خانه‌های مردم، فعالیت بسیج و سپاه به‌طور کامل آغاز شد.

فرمانده سپاه حضرت محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ ادامه داد: در تمام تهران بزرگ، شاهد حضور گشت‌های بسیج، تورهای بازرسی، گشت‌های پیاده و موتوری در ارتفاعات شمال، شرق، غرب تهران و حتی تمامی معابر اصلی، اتوبان‌ها و بزرگراه‌ها بودیم. بسیج به‌صورت مسلحانه حاضر شد و این به آن معناست که در هر شرایطی، بسیج و سپاه سپر اصلی مردم هستند و همواره ثابت کردند که در هر صحنه‌ای که احساس خطر شود، خود را فدایی مردم می‌کنند.

وی افزود: برخلاف تصور دشمنان که با استفاده از گروه‌های ضد انقلاب، سلطنت‌طلبان و معاندین آموزش‌دیده در کشورهای همجوار، تصور می‌کردند می‌توانند تهران را به شهری ناامن و بی‌ثبات تبدیل کنند، با حضور گسترده، هوشمندانه، بموقع، اثربخش و قاطع بسیج در تمامی کوچه‌ها، خیابان‌ها و حتی روی ارتفاعات و ساختمان‌های مرتفع، راه برای هر اقدام ضدامنیتی و ضد مردمی بسته شد.

سردار حسن‌زاده با اشاره به تمرینات قبلی برای مقابله با پیامدهای حملات، بیان داشت: ما در رزمایش «نصرالله» با حضور سپهبد شهید «حسین سلامی»، چگونگی مقابله با پیامدهای موشکباران را در کمترین زمان ممکن تمرین کرده بودیم. گروه‌های جهادی و امدادی بسیج که آموزش‌دیده و دارای تجربیات ارزشمندی بودند، در محله‌ها حاضر شدند و ضمن کنترل محله، نسبت به کمک به مردم، آواربرداری، انتقال مجروحین و پیکر شهدا و سایر موضوعات اقدام می‌کردند.

در طول جنگ تحمیلی ۱۲ روزه امنیت کامل در تهران بزرگ برقرار بود

فرمانده سپاه حضرت محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ با اشاره به حضور جوانان و نوجوانان در گروه‌های جهادی و گردان‌های بسیجی، تشریح کرد: این تیم‌ها نه‌تنها برای نقاط آسیب‌دیده، بلکه برای خانه‌های اطراف نیز برنامه‌ریزی کرده بودند تا آنها را کنترل و کمک کنند، مکان موقت برای استقرار آنها پیش‌بینی کنند و از اموال مردم مراقبت به عمل آورند تا مورد تعرض قرار نگیرد.

وی با بیان اینکه در نهایت ناباوری دشمنان انقلاب اسلامی، در طول جنگ تحمیلی ۱۲ روزه امنیت کامل در تهران بزرگ برقرار شد، گفت: در هر نقطه‌ای که مورد اصابت موشک قرار می‌گرفت، نیروهای بسیج، امدادگران هلال احمر، آتش‌نشانی و اورژانس در کمترین زمان ممکن حاضر می‌شدند و خدمات امدادی خود را ارائه می‌دادند.

جوانان ما حتی فراتر از دوران دفاع مقدس فداکاری کردند

سردار حسن‌زاده با تقدیر از تیم‌های تخصصی و تجهیزات مناسب بسیج و سپاه برای پشتیبانی از نیروی هوافضای سپاه، خاطرنشان کرد: این نیروها که در خط مقدم درگیری با رژیم صهیونیستی قرار داشتند و امید رژیم صهیونی را به یأس تبدیل کردند، با حضور خود و ایجاد امنیت و پدافند محیطی در اطراف محل‌های شلیک موشک و پدافند محیطی، امکان شلیک موج‌های مختلف موشک را با دقت و طبق طراحی‌های از پیش تعیین‌شده فراهم کردند. این نقطه‌ای بود که دشمن فهمید در محاسبات خود درباره قدرت ما دچار اشتباه شده است.

وی افزود: دشمن در روزهای چهارم و پنجم جنگ متوجه شد که نه‌تنها در محاسبه قدرت موشکی، بلکه در محاسبه خود درباره ملت و جوانان ما نیز اشتباه کرده است. آنها تصور می‌کردند جوان امروز ایران با وجود علایق مختلف، حاضر به ایستادگی و فداکاری نیست، اما جوانان ما همچون دوران دفاع مقدس و حتی فراتر از آن، ایستادند و فداکاری کردند.